

جدال در قرآن

طاهره اسلامی¹

چکیده:

احتجاج و جدال در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و اسلام، ضمن سفارش به نپذیرفتن چیزی بدون تفکر و سؤال، همگان را به بحث و گفتگو دعوت می‌کند.

جدال مورد پذیرش اسلام، دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اهداف صحیح، دفاع از حقیقت، دفع شبهات و از بین بردن اوهام و سوءظن‌ها، تصدیق عقاید مکتب حق، شکست دادن خصم یاوه‌گو به قصد یاری حق.

علاوه بر این، داشتن شرایط ویژه‌ای همچون تسلط علمی فرد مجادله کننده، اهلیت وی برای گفتگو، استفاده از مطالب حق برای اثبات مدعای خویش، و رعایت آدابی همچون توکل به خدا و کمک گرفتن از او، احترام به طرف مقابل، دوری از تندی، رعایت انصاف، استفاده به جا و مناسب از میانی طرف مقابل و مشخص کردن محل نزاع، پیروی از معیارهای عقلی و علمی، ضروری است.

جدال و احتجاج آفاتی نیز دارد؛ رعایت نکردن آداب، شرایط، و فنون جدال جهالت و نادانی، پیروی از گمان و پندار، پافشاری و تعصب بی‌جا و تقلید کورکورانه از گذشتگان، و نیز پیروی از هوی و هوس جزء آفات جدال و احتجاج بشمار می‌رود.

کلید واژه‌ها: احتجاج، جدال احسن و غیر احسن، بحث و گفتگو.

درآمد

در روزگاری که بشر در نهایت جهل و غفلت به سر می‌برد، خداوند متعال، برای غفلت‌زدایی و بیدار کردن خواب مرگ آسای انسان‌ها، لطف و عنایتش را، ارزانی داشت و با ارسال آخرین رسولش، پیامبر اکرم، برترین و آخرین پیام خود را، که گوهر گرانبها و سرچشمه جوشان معارف اسلامی است، فرو فرستاد.

1. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان.

قرآن، معجزه جاوید، سند حقانیت اسلام، کتاب هدایت و راهنمای بشریت است؛ این کتاب جامع و کامل، که بزرگترین منبع عقاید است، عمیقترین معارف را با سادهترین و کارآمدترین شیوه ممکن و با روشی بدیع و اسلوبی خاص برای هدایت خلق، بیان کرده است.

قرآن در موارد متعدد، مسائل را به صورت احتجاج و جدال بیان نموده است؛ به صورتی که در نهایت، یا به پذیرش و تسلیم مخاطب، و یا به غلبه بر وی و سکوتش منجر می‌شود. بر این اساس، یکی از مباحث مهم قرآنی، مجادلات و احتجاجات آن است.

ما، در عصر برخورد اندیشه‌ها زندگی می‌کنیم و روشن است که با زور و سرنیزه، نمی‌توان عقیده را بر ذهن‌ها تحمیل کرد؛ مخالفین نیز برای اثبات ادعاهای بدون دلیل خود، لحظه‌ای آرام ننشسته‌اند. از این رو، بهترین و محکم‌ترین راه رسیدن به هدف و روشنگری و کشف حقایق و شناخت واقعیت‌ها، گفت و گو و احتجاج است؛ در این راه، دستیابی به اصول، شیوه و محتوای مناظرات قرآنی بسیار مفید و کارآمد است، چرا که با استفاده از محتوای احتجاجات قرآنی، می‌توان به ابزاری قوی جهت پاسخگویی به بسیاری از مسائل دست یافت و بی‌شماری از شبهات و اشکالات موجود در دنیای امروز را، پاسخ مستدل داد.

در این پژوهش می‌کوشیم به بیان اصول، شیوه، آداب و فنون احتجاج و جدال در قرآن پردازیم، و راه صحیح مجادله کردن را بیاموزیم.

از نظر اسلام، فلسفه دین، ارائه روش تکامل انسان از راه افکار آزاد است، و آزادی بحث و انتقاد در مسایل اعتقادی - مذهبی، یکی از ویژگی‌های مکتب اسلام است. در هیچ آیینی، به اندازه اسلام، آزادی اندیشه و ابراز عقیده وجود نداشته، تا در پرتو آن، مخالفان بتوانند، حتی، در نزد رهبران آن آیین، اظهار عقیده کنند و به بحث و گفت‌وگو بپردازند و در قبول و رد آنچه می‌شنوند، آزاد باشند.

در تاریخ زندگی پیامبر اکرم و همچنین ائمه معصومین موارد فراوانی یافت می‌شود که مخالفان اسلام با ایشان به مناظره و بحث و گفت‌وگو پرداخته و در کمال آزادی و صراحت، و بدون اینکه، مورد اهانت قرار گیرند، انتقادهایی را به اصول و فروع اسلام داشته‌اند و ایرادهای ایشان، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ابن ابی العوجاء زندیق، درباره امام صادق، می‌گوید:

او، ابتدا حرف‌های ما را می‌شنود و هیچ‌گاه، در صحبت با ما، بد زبانی نمی‌کند و جز پاسخ حرف‌های ما، سخن اهانت‌آمیزی نمی‌گوید. وی، با کمال بردباری و متانت، به سخن ما گوش می‌دهد و از ما می‌خواهد که هرچه، دلیل بر عقیده خود داریم، بی‌اوریم. پس از اینکه حرف ما تمام شد، درحالی‌که ما به خیال خود او را محکوم کرده‌ایم، شروع به صحبت می‌کند و با چند کلمه کوتاه، تمام حرف‌هایی را که زده‌ایم، باطل می‌سازد، و با استدلال‌های متین خود، راه هرگونه بهانه‌جویی را بر ما

می‌بندد، به طوری که ما نمی‌توانیم پاسخ‌های او را رد کنیم (بحار الانوار: ج ۳ ص ۵۸).

در مکتب اسلام، عقل و منطق، جایگزین زور و تزویر است و در قرآن کریم، راه‌های کاربردی متعددی، برای هدایت انسان‌ها و ارشاد گمراهان آمده است. خداوند متعال در آیه ۱۲۵ سوره نحل^۱، سه وسیله مهم «حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن» را برای دعوت به سوی حق، بیان نموده و از پیامبر اکرم خواسته است که:

با مردم مجادله کن و با دشمنان به طریق احسن، که بهترین طریق مناظره است، مناظره کن، به طوری که با نرمی و مدارا و انتخاب راه آسان‌تر و به کارگیری مقدمات مشهوره باشد، تا سروصدای آن‌ها را آرام کنی و شعله‌وری آن‌ها را خاموش نمایی، همان‌طور، که ابراهیم خلیل انجام داد (روح المعانی فی تفسیر القرآن: ج ۱۴ ص ۲۳۲)^۲.

تعریف احتجاج و جدل

۱- احتجاج

در احتجاج، «مطلوب، ظهور حجت است» (فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات: ص ۱۰۱)، و «مراد از حجت، دلیل و برهان است» (لسان العرب: ج ۲ ص ۲۲۸)، یعنی اقامه مطلق دلیل برای اثبات مدعا که در نهایت، یا با پذیرش و تسلیم مخاطب همراه است، و یا به غلبه و پیروی یک طرف و سکوت مخاطب منجر می‌شود (معرفت فطری خدا: ص ۸۷).

۲- جدال

جدال، بر وزن فعال، یکی از مصادر باب مفاعله است و در معنای آن، معارضه و بحث بین دو طرف که «معمولاً یکی حق و دیگری باطل است، لحاظ شده است» (همان: ص ۹۳). برخی جدال را عبارت از آداب مناظره دانسته و گفته‌اند:

جدال، عبارت است از: شناسایی قواعد، حدود و آداب استدلالی که به وسیله آن، انسان به حفظ عقیده و رأیی یا طرد آن، رهبری می‌شود... (مقدمه ابن خلدون: ص ۴۵۷)

هدف از جدال و مناظره، دو گونه است: الف) مناظراتی که با هدف دفاع از حقیقت، دفع شبهات و از بین بردن اوهام و سوءظن‌ها، تصدیق عقاید مکتب حق و دفاع از آن، شکست دادن خصم یا وهگو و معاند به قصد یاری حق، انجام گیرد.

۱. ... ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ...
۲. حضرت ابراهیم در مناظره با مخالفین زمان خود، روشمند عمل کرد، که در آینده به آن می‌پردازیم.

ب) مناظره‌هایی که با هدف تکذیب، رد و ابطال حق، شکست دادن خصم و ساکت کردن او با هر وسیله‌ای، نه به قصد وصول به حق، بدست آوردن شهرت و اظهار فضل و تهاجم بر دیگران، با بیان ضعف آن‌ها، فضیحت و تخریب دیگران باشد.

از نظر اسلام، مورد دوم، مردود و حرام است و افراد مناظره کننده با این اهداف، طرد و مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. بر این اساس باتوجه به آیات و روایات، جدال، دو گونه است: جدال احسن و جدال غیر احسن. در اسلام، جدال احسن جایز است، و از جدال غیر احسن نهی شده است. امام حسن عسکری از اجداد طاهرینش، از امام صادق نقل کرده‌اند:

جدال به غیر احسن، حرام است و خدای تعالی آن را بر شیعیان ما حرام کرده است (الاحتجاج: ج ۱ ص ۲۱).

جدال احسن دارای شرایط و مواردی است که به آن می‌پردازیم:

شرطهای جدال احسن:

۱- مجادله‌کننده باید معارف حق را دریافته باشد، و با تسلط علمی بر اصول و فروع بحث، به اثبات و تبیین آن بپردازد و نقض‌هایی که بر مطالب حق وارد شده است را رد کند.

۲- مجادله کننده باید اهلیت گفت‌وگو و توانایی و قدرت مناظره کردن را داشته باشد، و به روش ورود به بحث و خروج از آن، آگاه و مسلط باشد. امام صادق، ابوخالد را از مناظره کردن منع کرد و فرمود:

ابوخالد، مؤمن طاق با مردم سخن می‌گوید و می‌تواند پاسخ گوید و از عهده‌اش برمی‌آید، ولی اگر با تو بحث کنند، نمی‌توانی از عهده‌اش برآیی (گفت‌وگویی تمدنها در قرآن و حدیث: ص ۳۲).

در روایت دیگری، طیار نقل می‌کند:

به امام صادق گفتم: شنیده‌ام از گفت‌وگویی ما با مردم ناخشنودی، و مناظره را نمی‌پسندی؟ امام فرمود: از سخن گفتن امثال تو ناخشنود نیستم؛ انسان‌هایی که اگر بال‌گسترند، خوش می‌نشینند و اگر بنشینند، نیک اوج گیرند؛ گفت‌وگویی چنین افرادی را ناخوش نمی‌دارم (بحار/الانوار: ج ۲ ص ۱۳۶).

۳- مجادله کننده، باید از مطالب صحیح در اثبات مدعای خود استفاده کند، و روش او در اثبات مطالب حق، یا نقض مطلب باطل، طریق الهی باشد (معرفت فطری خدا: ص ۹۸).

[... وَ مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصْدًا (کهف: آیه ۵۱) ؛ من هرگز گمراه کنندگان را دستیار خود بر نمی‌گزینم.]

امام صادق بهره جستن از راه باطل در مناظره را، جدال غیر احسن معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

... جدال به غیر احسن آن است که، با مبطلی جدال کنی، و او، باطلی را بر تو اقامه کند و تو نتوانی آن را با حجت خدا دادی، رد کنی؛ ولی با وجود این، یا گفته او را انکار کنی، و یا حقی را انکار کنی که طرف مقابل برای باطلش از آن کمک گرفته است، و تو برای این‌که، طرف مقابل حجتی علیه تو نداشته باشد، آن حق را انکار می‌کنی، به واسطه آن‌که راه‌هایی از آن را نمی‌دانی... (الاحتجاج: ج ۱ ص ۲۱).

در این‌جا ممکن است این سؤال مطرح شود که، اگر بناست در اثبات مطلب حق و یا نقض مطلب باطل، از راه حق استفاده شود، پس چرا حضرت ابراهیم، در جدال خویش، در مورد ماه، ستاره و خورشید فرمود: «هذا ربی»؛ این سؤال را مأمون از امام رضا پرسید و امام در جواب فرمود:

این سخن حضرت ابراهیم بر طریق انکار و استخبار است، نه به صورت اقرار و اخبار (بحار الانوار: ج ۱۱ ص ۷۹؛ البرهان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۴۳۲؛ تفسیر نور الثقلین: ج ۲ ص ۳۶۲).

یعنی، حضرت ابراهیم ابتدا سخن کفار را بیان کرد و سپس به نقض آن پرداخت، و در هنگام بیان کلام آنان، آن را نپذیرفته بلکه مانند این بود که از آنها بپرسد: آیا این خدای من است؟ و این استفهام به صورت استفهام انکاری بود، نه به صورت خبر دادن از اعتقاد خویش.

۴- جدال باید سودمند باشد و مجادله کننده، وارد مناظره نگردد، مگر در مواردی که امید تأثیر در طرف مقابل وجود دارد؛ اگر بداند که طرف مقابل، سخنش را نمی‌پذیرد و زیر بار حق نمی‌رود، هر چند که خطا و اشتباه او کاملاً روشن باشد، مناظره با او جایز نیست.

۵- شرایط زمانی و مکانی، و وضعیت مجادل و مخاطب برای مناظره مناسب باشد (معرفت فطری خدا: ص ۱۰۰).

۶- باتوجه به روایات زیادی که از جدال در مباحث دینی نهی شده، می‌توان گفت فقط در هنگامی که ضرورتی برای مجادله وجود داشته باشد، باید وارد بحث و مناظره شد.

آداب جدال و احتجاج

۱. توکل و استعانت از خدا

بر مومن و مسلمان لازم است که در هنگام بحث و مناظره با مخالفین، از خداوند در شفاف ساختن حقایق در گفت‌وگوها، استعانت جوید.

[و تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ... (نساء: آیه ۴۰)] ؛ شما [مؤمنین] چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند.]

امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

پروردگارا! بر محمد و آتش درود فرست ... و من را بر کسی که با من بحث کند، زبانی گویا ده ... (مفاتیح الجنان: دعای مکارم الاخلاق).

امام رضا نیز برای مناظره کردن، وضو گرفت و با مخالفین وارد بحث شد (التوحید: ص ۴۱۹).

۲. پیروی از معیارهای عقلی و علمی

در اسلام، پیروی از معیارهای عقلی و علمی مورد توجه قرار گرفته و عقل و منطق، جایگزین زور و تزویر است. خداوند متعال در قرآن کریم، بارها مخالفین را مخاطب قرار داده است و به پیامبر اکرم دستور می‌دهد که:

[قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره: آیه ۱۱۱)] ؛ به آنان بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل و برهانتان را بیاورید.]

امام رضا در مناظره با نصرانی، ضمن دعوت به تعقل و انصاف، هیچ‌گاه عصبانی نشد:

سَلِّ عَمَّا أَرَدْتَ، فَاعْقِلْ عَمَّا سَأَلْتَ عَنْهُ.

هرچه می‌خواهی بپرس، و در جواب من دقت کن و آن را بفهم (التوحید: ص ۴۲۹-۴۳۰).

۳. رعایت آداب و ارزش‌های اخلاقی

اخلاق گفت‌وگو، از نظر اسلام، موضوع با اهمیتی است. بسیاری از مواقع، براهین عقلی، به دلیل رعایت نکردن کامل جنبه اخلاقی گفت‌وگو، موفق به کشف حقایق نمی‌شوند. احترام به طرف مقابل، برخورد نیکو و صادقانه و همراه با انصاف، و چنگزدن به رهنمودهای اخلاقی قرآن و سنت، بسیار مفید و سازنده است.

۳-۱) احترام به طرف مقابل بحث

پیامبر اکرم در مناظره با عبدالله مخزومی، ابتدا به سخنان او گوش می‌دهد و همین‌که ساکت می‌شود، او را به بیان عقایدش ترغیب می‌کند، و بارها از او می‌پرسد:

آیا چیزی از کلامت باقی مانده است؟ (الاحتجاج: ج ۱ ص ۴۲).

ابن ابی العوجاء، زندیق عصر امام صادق ، درباره ایشان می‌گوید:

او، ابتدا حرف‌های ما را می‌شنود، و هیچ‌وقت در صحبت با ما، بد زبانی نمی‌کند و جز پاسخ حرف‌های ما، سخن اهانت‌آمیزی نمی‌گوید. با کمال بردباری و متانت به سخن ما گوش می‌دهد، و از ما می‌خواهد که هر چه دلیل بر عقیده خود داریم، بیاوریم. پس از این‌که حرف ما تمام شد، درحالی‌که ما به خیال خود او را محکوم کرده‌ایم، شروع به صحبت می‌کند و با چند کلمه کوتاه، تمام حرف‌هایی را که زده‌ایم، باطل می‌سازد، و با استدلال‌های متین خود، راه هرگونه بهانه‌جویی را بر ما می‌بندد، به‌طوری‌که نمی‌توانیم پاسخ‌های او را رد کنیم (بحار الانوار: ج ۳ ص ۵۸).

۲-۳) خویشتن داری از تندی (قول لاین)

خداوند متعال به موسی ، دستور می‌دهد با هارون، به سوی فرعون بروند و با گفتاری نرم او را به سوی خود بخوانند:

[اذهبنا إلی فرعونَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیْنًا لَعَلَّهُ یَتَذَكَّرُ أَوْ یَخْشَى (طه: آیات ۴۳-۴۴) ؛ به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است، سپس به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد.]

حداقل فایده این‌گونه سخن گفتن این است که همان بار اول، طرف را وادار به مقابله نمی‌کند. خداوند متعال در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام می‌فرماید:

[فیمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ... (آل عمران: آیه ۱۵۹) ؛ به برکت رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند ...]

بنابراین خویشتن داری، از اصیل‌ترین آداب مناظره است.

۳-۳) ضرورت رعایت انصاف

مناظره‌کننده باید امکاناتی برای طرف مقابل به‌وجود آورد تا آنچه در ذهن فراهم آورده، به‌کار گیرد و ایراد نماید. امام رضا ، در مناظره با مخالفین، هر جا جمله درستی از طرف مقابل می‌شنید، فوراً تأیید می‌کرد و می‌فرمود: «صدقته» (التوحید: ص ۴۲۹)، و گاهی می‌فرمود:

الآن جنّت بالنصفه.

اکنون، کلام به انصاف راندی (الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۲۶).
و بدین وسیله، شخص را ترغیب می‌کرد سئوال‌اتش را ادامه دهد.

فنون جدال و احتجاج^۱

منظور از فن، شگردها، روش‌ها و ابزارهای است که ما را در رسیدن به نتیجه مطلوب، راهنمایی می‌کند. از آنجا که هرکاری، فن خاص خود را دارد، جدل و احتجاج نیز از این امر مستثنی نیست و فنون خاصی دارد که رعایت این فنون در پیشبرد مقاصد علمی و عقیدتی جدال، مفید و مؤثر است.

۱. به دست آوردن مبانی طرف مقابل

لازم است مناظره‌کننده، مبانی طرف مقابل را به دست آورد و براساس آن وارد بحث و مناظره شود. در جلسه مناظره امام رضا با مخالفین، جاثلیق به امام می‌گوید:

چطور با کسی بحث کنم که با من به کتابی استدلال می‌کند که من منکر آن هستم؛ و به پیامبری استدلال می‌کند که به آن ایمان ندارم؟

امام رضا فرمود:

ای مسیحی! اگر با انجیل تو، بر تو استدلال کنم، به آن اقرار می‌کنی؟ جاثلیق گفت: آری، علی‌رغم میل، بدان اقرار می‌کنم (الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۲۰).

بنابراین امام رضا، با هر گروه از مخالفان، بر اساس مبانی خودشان مناظره می‌کرد و در واقع این‌گونه مناظره، هنر مناظره‌کننده را می‌رساند.

۲. استفاده بجا از مبانی طرف مقابل

یکی از فنون احتجاج، این است که فرد محاجه‌کننده، برای اثبات باطل بودن نظر طرف مقابل، از مبانی خود او استفاده کند و به کمک آن مطالب، عقاید او را به کلی محکوم و باطل کند. امام رضا در مناظره با مسیحی فرمود:

ای مسیحی! سوگند به خدا، ما به عیسی که به محمد ایمان داشت، ایمان داریم و بر عیسای شما، ایرادی نمی‌گیریم جز آن‌که، نماز و روزه‌اش کم بود. نصرانی گفت: سوگند به خدا! علمت را فاسد کردی و کارت را ضعیف ساختی؛ من فکر می‌کردم تو، داناترین مسلمانان هستی. امام رضا فرمود: چطور؟! نصرانی گفت: از سخن تو [متعجبم] که می‌گویی عیسای شما کم‌روزه و کم‌نماز بود، در حالی که عیسی حتی یک روز، افطار نکرد، و یک شب هم نخوابید، و در طول دوران روزه‌دار و هر شب، شب‌زنده‌دار بود. امام رضا فرمود: برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟! زبان نصرانی بسته شد و سخنش قطع شد (الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۲۲).

۳. مشخص کردن محل نزاع

۱. با استفاده از درس مبانی/احتجاج در قرآن و حدیث، آقای دکتر علی افصلی استاد بزرگوار دانشکده علوم حدیث.

طرفین مناظره باید در ابتدا، چارچوب بحث و محل نزاع را مشخص، و بحث را در چارچوب معین، هدایت کنند، تا آسان‌تر به نتیجه مطلوب برسند.
۴- واژه‌شناسی بحث:

از آنجا که برخی واژه‌ها، مبهم، دارای اشتراک لفظی و معانی متعدد هستند، بر طرفین مناظره فرض است که در ابتدای بحث، منظور خود را از این‌گونه واژه‌ها مشخص نمایند.

۵- منظم بحث‌کردن:

پیمودن بحث به صورت قدم به قدم، و از مقدمات ساده شروع کردن تا رسیدن به نتیجه مطلوب، از فنون ضروری مناظره است.

آفات جدال و احتجاج

به‌طور کلی، رعایت نکردن آداب، شرایط و فنون مناظره، جزو آفات است؛ رمز اصلی موفقیت در جدال و گفت‌وگو، رعایت موارد فوق و تلاش برای رهایی از آفت‌هاست. علاوه بر آن، موارد ذیل نیز، می‌توان نام برد:

۱. جهالت و نادانی

از مهم‌ترین آفات مجادله بوده و ریشه بسیاری از رذایل در آن نهفته است. قرآن کریم، انسان‌ها را از دنبال‌کردن چیزی که به آن علم و آگاهی ندارند، منع کرده است:

[ولا تقف ما لیس لک به علم ... (غافر: آیات ۴۱-۴۳)]

امیرالمؤمنین، امام علی نیز در روایتی فرموده است:
اگر بندگان وقتی چیزی را نمی‌دانستند [از اظهار نظر] باز می‌ایستادند، گمراه و کافر نمی‌شدند (میزان الحکمة: ج ۲ ص ۸۶۸).
همچنین حضرت در جای دیگر می‌فرمایند:
اگر نادان سکوت کند، مردم اختلاف نخواهند کرد (بحار الانوار: ج ۷۸ ص ۸۱).

۲. گمان و پندار

انسان‌های متعهد و معتقد، هرگز بدون علم، آگاهی و دلیل، سخن نمی‌گویند. تکیه بر گمان و پندار، و قبول خرافات و موهومات، نشانه انحراف و بی‌عقلی است.

[ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنُّ لَا یَعْنِي مِنَ الحَقِّ شَيْئاً (نجم: آیه ۲۸) ؛ آن‌ها از ظن و گمان پیروی می‌کنند، حال آن‌که گمان، هرگز انسان را بی‌نیاز از حق نمی‌کند و کسی را به حق نمی‌رساند.]

[إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى النَّفْسُ... (نجم: آیه ۲۳) ؛ آن‌ها، فقط از گمان‌های بی‌اساس و هوای نفس پیروی می‌کنند.]

و این موهومات، همه زائیده پندار و هواست.

۳. تقلید کورکورانه از گذشتگان

قرآن کریم، بارها افرادی را مورد نکوهش قرار می‌دهد که کورکورانه از دیگران تقلید می‌کنند و پافشاری و تعصب بی‌جا به خرج می‌دهند.

[وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْا كَانُ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (بقره: آیه ۱۷۰)؛ هنگامی که به آنها گفته می‌شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: ما از آنچه پدران و نیاکان خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.]

قرآن، بلافاصله این منطق خرافی و تقلید کورکورانه از نیاکان را با این عبارت کوتاه و رسا محکوم می‌کند، و می‌فرماید:

ایا نه این است که پدران آن‌ها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند؟! (تفسیر نمونه: ج ۱ ص ۵۷۷)

نکته قابل توجه این است که، کیش و آیین را، به اتکای میراث پدران، نباید پذیرفت، و تسلیم شدن همه جانبه و کورکورانه در برابر آن‌ها، چیزی جز خرافه‌پرستی و ارتجاع و حماقت نیست. بنابراین، لازم است افراد، با پیروی از معیارهای عقلی و علمی، این‌راه را دنبال کنند، تا حقیقت را دریابند.

۴. پیروی از هوی و هوس

سرچشمه بسیاری از گمراهی‌ها، پیروی از هوی و هوس است، و آثار و نتایج سوئی به دنبال دارد که، عبارتند از: تظاهر و ریاکاری، خشم و غضب، حقد و کینه‌توزی، رشک و حسد، خودستایی و نفاق و دورویی و

در قرآن کریم آمده است:

[وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (ص: آیه ۲۶)] از هوی نفس پیروی مکن که تو را از طریق خداوند گمراه می‌سازد.]

امام علی می‌فرماید:

اما اتباع الهوی فیصد عن الحق.

پیروی از هوای نفس، انسان را از راه خدا باز می‌دارد (نهج‌البلاغه: خطبه ۴۲).

البته باید توجه داشت که علت اساسی به ثمر رسیدن چنین آفات و خصلت‌های ناستوده‌ای در انسان، فراگیری علم و دانش برای غیر الهی است؛ چون در این مسیر غیر خدا مطرح است و اهداف دنیایی سراسر این مسیر را پوشانده است، گرفتار چنین آفاتی می‌شود. اگر هدف انسان صحیح، و انگیزه‌اش وصول به حقیقت و دفاع از آن باشد، هرگز دچار چنین آفاتی نمی‌گردد.

نتایج:

- قرآن کریم که سند حقانیت دین اسلام است، به جدال و احتجاج اهمیت ویژه ای داده و در اکثر موارد، بحث و گفتگو را شایسته تشویق دانسته و بر آن تاکید فرموده است.

- جدال در اسلام، جدال احسن است و از جدال غیر احسن نهی شده است .
- از نظر اسلام، هر فردی توانایی جدال و احتجاج کردن را ندارد، بلکه مجادله و
مواجهه کننده باید قبل از پرداختن به جدال و احتجاج، نسبت به اصول و فروع
بحث، اهداف، آداب، شرایط، فنون و آفات مجادله آگاهی داشته و با مهارت و
توانای کامل وارد بحث و گفتگو شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی